



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۴۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای محمد جعفری

مقدمه

در درس‌های پیشین با استعمال حقیقی و مجازی و برخی مباحث مربوط به آن آشنا شدیم. در این درس پیرامون این مطلب بحث می‌کنیم که آیا استعمال لفظ و اراده بخش خاصی از معنای موضوع له، استعمالی حقیقی است یا مجازی؟ ثمره این بحث در جایی روشن می‌شود که لفظی استعمال شود و روشن نباشد که متکلم تمام معنای موضوع له را اراده کرده یا بخشی از آن را؛ در این صورت اگر استعمال لفظ و اراده بخشی از معنای موضوع له را استعمالی مجازی دانستیم، با تمسک به أصالة الحقيقة کلام او را حمل بر معنای حقیقی خود کرده و می‌گوییم مرادش تمام معنای موضوع له است، اما اگر آن استعمال را نیز حقیقی بدانیم، کلام مجمل می‌شود؛ مگر اینکه گزینه‌ای بر یکی از آن دو وجود داشته باشد.

شهید صدر در پاسخ به این سؤال -که این‌گونه استعمال حقیقی است یا مجازی؟- قائل به تفصیل شده، در یک فرض استعمال را مجازی و در فرض دیگر استعمال را حقیقی می‌داند. بحث دیگری که در این درس به آن اشاره می‌شود، امکان اشتراک لفظی و مترادف در الفاظ می‌باشد. خواهیم گفت که بنابر غالب مبانی، امکان اشتراک لفظی و مترادف امری واضح است و بنابر یک مبنا، این امر دچار اشکالاتی می‌شود. ادامه و نتیجه گیری از این بحث را به درس بعد موکول می‌کنیم.

متن درس

استعمال اللفظ و إرادة الخاص:

إذا استعمل اللفظ و أريد به معنى مابين لما وضع له فهو مجاز بلا شك. و اما إذا كان المعنى الموضوع له اللفظ ذا حصص و حالات كثيرة و أريد به بعض تلك الحصص، كما إذا أتيت بلفظ الماء و أردت ماء الفرات فهذا له حالتان: الأولى: ان تستعمل لفظة الماء بمفردها في تلك الحصة بالذات أى في ماء الفرات بما هو ماء خاص، و هذا يكون مجازاً لأن اللفظ لم يوضع للخاص بما هو خاص.

الثانية: ان تستعمل لفظة الماء في معناها المشترك بين ماء الفرات و غيره و تأتي بلفظ آخر يدل على خصوصية الفرات بان تقول أئتنى بماء الفرات فالحصة الخاصة قد أفيدت بمجموع كلمتى ماء و الفرات لا بكلمة ماء فقط، و كل من الكلمتين قد استعملت في معناها الموضوع له فلا تجوز، و نطلق على إرادة الخاص بهذا النحو طريقة تعدد الدال و المدلول، فطريقة تعدد الدال و المدلول نعنى بها إفادة مجموعة من المعانى بمجموعة من الدوال و بإزاء كل دال واحد من تلك المعانى.

الاشتراك و الترادف:

لا شك في إمكان الاشتراك و هو وجود معنيين للفظ واحد و الترادف و هو وجود لفظين لمعنى واحد بناء على غير مسلك التعهد في تفسير الوضع، و مجرد كون الاشتراك مؤدياً إلى الإجمال و تردد السامع في المعنى المقصود لا يوجب فقدان الوضع المتعدد لحكمته، لأن حكمته إنما هي إيجاد ما يصلح للتفهم في مقام الاستعمال و لو بضم القرينة. [و اما على مسلك التعهد فلا يخلو تصوير الاشتراك و الترادف من اشكال ...]

گونه‌های مختلف استعمال لفظ

هر لفظی با توجه به معنایی که از آن اراده می‌شود صورت‌های مختلفی پیدا می‌کند که در برخی از آنها استعمال، حقیقی و در بعضی دیگر مجازی می‌باشد و در برخی هم استعمال، غلط خواهد بود. اکنون این صورت‌ها را بررسی و حکم هر یک را از حیث حقیقی و یا مجازی بودن بیان می‌کنیم.

۱. اگر لفظ در معنای موضوع‌له خود استعمال شود، یعنی دقیقاً همان معنایی از لفظ اراده شود که معنای موضوع‌له آن لفظ است، این استعمال، استعمال حقیقی نام دارد؛ مثلاً لفظ «فرا» که برای رودخانه‌ای معروف وضع شده است، در همان معنا استعمال شود.

۲. اگر لفظ در معنایی مابین با معنای موضوع‌له خود استعمال شود؛ یعنی معنای مستعمل‌فیه (معنایی که لفظ در آن استعمال شده) همان معنای موضوع‌له نباشد، این استعمال، استعمال مجازی خواهد بود؛^۱ مثلاً اگر لفظ «فرا» در رودخانه با آب گوارا استعمال شود، این استعمال مجازی است؛ زیرا معنای موضوع‌له در لفظ فرا، رودخانه معروف است، نه هر رودخانه‌ای که آبی گوارا دارد.

۳. اگر معنای موضوع‌له و حقیقی لفظ، دارای افراد و حالات متعددی باشد، در این صورت اگر لفظ در تمامی آن افراد و حالات استعمال شود، در واقع در موضوع‌له خود استعمال شده و این فرض همان فرض شماره یک خواهد بود و قطعاً استعمال، حقیقی می‌باشد؛ مانند اینکه لفظ آب در تمامی افراد موضوع‌له خود (آب فرا، آب دجله ...) استعمال شود و آب مکانی خاص از آن اراده نشده باشد. اما اگر لفظ استعمال شود و از آن، بعضی افراد و یا حالات اراده شود- مثلاً لفظ آب استعمال شده و از آن آب فرا اراده شده باشد- در این فرض دو حالت قابل تصور است که در ادامه بحث به بررسی آن دو می‌پردازیم.

استعمال لفظ و اراده بخشی از معنا (حالت اول)

حالت اول استعمال لفظ و اراده خاص به این صورت است که آن لفظ به تنهایی در فرد و حصه خاصی از معنای موضوع‌له استعمال شود؛ مثلاً لفظ آب به تنهایی استعمال شود و از آن فقط آب فرا اراده شده باشد، نه هیچ آب دیگری. در این حالت بحث است که این استعمال حقیقی است یا مجازی؟ از یک طرف این معنای مستعمل‌فیه (یعنی حصه اراده شده) مابین با معنای موضوع‌له نیست، بلکه بخشی از آن است و از طرف دیگر این حصه، عین معنای موضوع‌له نیست و می‌توان گفت این معنای مستعمل‌فیه غیر از معنای موضوع‌له است. به نظر شهید صدر این استعمال، مجازی است؛ زیرا این حصه اراده شده، بالخصوص و به تنهایی موضوع‌له لفظ نمی‌باشد، بلکه بخشی از معنای موضوع‌له است و در واقع لفظ در معنایی غیر از معنای موضوع‌له خود استعمال شده است. بنابراین اگر گفته شود: «برایم آب بیاور» و مراد متکلم، خصوص آب فرا باشد، استعمال او مجازی خواهد بود.

تطبیق

^۱. البته به شرطی که علقه و تناسبی بین آن دو معنا (معنای موضوع‌له و معنای مستعمل‌فیه) وجود داشته باشد، و الا استعمال غلط است؛ در حالی که استعمال مجازی، استعمالی صحیح می‌باشد.

استعمال اللفظ و إرادة الخاص:

إذا استعمل اللفظ و أريد به معنى مبين^۱ لما وضع^۲ له^۳ فهو مجاز بلا شك.

به کار بردن لفظ و اراده کردن بخشی از معنا:

اگر لفظ استعمال شود و از آن معنایی مباین با معنای موضوع له اراده شود این استعمال قطعاً مجاز خواهد بود.

و اما إذا كان المعنى الموضوع له اللفظ^۴ ذا حصص و حالات كثيرة و أريد به بعض تلك الحصص، كما إذا أتيت بلفظ الماء و أردت ماء الفرات فهذا له حالتان:

اما در فرضی که موضوع له و معنای حقیقی لفظ مورد نظر، دارای افراد و حالات متعددی باشد، در این صورت (اگر لفظ استعمال شود و) بعضی از آن افراد و حالات موضوع له اراده شود، مثل اینکه شما لفظ «آب» را استعمال کنی و از آن فقط «آب فرات» را اراده کرده باشی در این صورت دو حالت متصور است:

الأولی: ان تستعمل لفظة الماء بمفردها في تلك الحصة بالذات أي في ماء الفرات بما هو ماء خاص، و هذا يكون مجازاً لأن اللفظ لم يوضع للخاص بما هو خاص.

حالت اول: اینکه شما لفظ «آب» را به تنهایی استعمال کرده باشی و به سبب آن فقط فرد خاصی از معنا را اراده کنی. یعنی خصوص آب فرات را اراده کرده باشی. این استعمال، مجازی است؛ زیرا لفظ آب برای خصوص آب فرات وضع نشده است.

Sco۱:۷:۳۰

استعمال لفظ و اراده بخشی از معنای موضوع له (حالت دوم)

گفتیم گاهی موضوع له لفظ دارای افراد و حالات مختلف است. اگر لفظ استعمال شود و بخشی از معنای موضوع له از آن اراده شده باشد دو حالت قابل تصور است. حالت اول جایی است که لفظ به تنهایی در آن معنای خاص استعمال شود؛ در این صورت چنانچه گذشت استعمال، مجازی است.

در حالت دوم، متکلم قصد دارد حصه و بخش خاصی از معنای موضوع له را به مخاطب تفهیم کند، اما لفظ آب را به تنهایی استعمال نمی کند، بلکه لفظ دیگری را نیز می آورد که این لفظ بر آن حصه و خصوصیت مورد نظرش دلالت می کند؛ مثلاً می گوید: «برایم آب فرات بیاور». در این مثال، لفظ آب در حصه و فرد خاصی از معنای موضوع له (آب فرات) استعمال نشده، بلکه در همان معنای موضوع له که معنای عامی است استعمال شده است، اما لفظ دیگری (فرات) نیز آورده تا حصه مورد نظر خود را به مخاطب بفهماند.

^۱ صفت «معنی».

^۲ نائب فاعل: ضمیر مستتر که به «لفظ» راجع است.

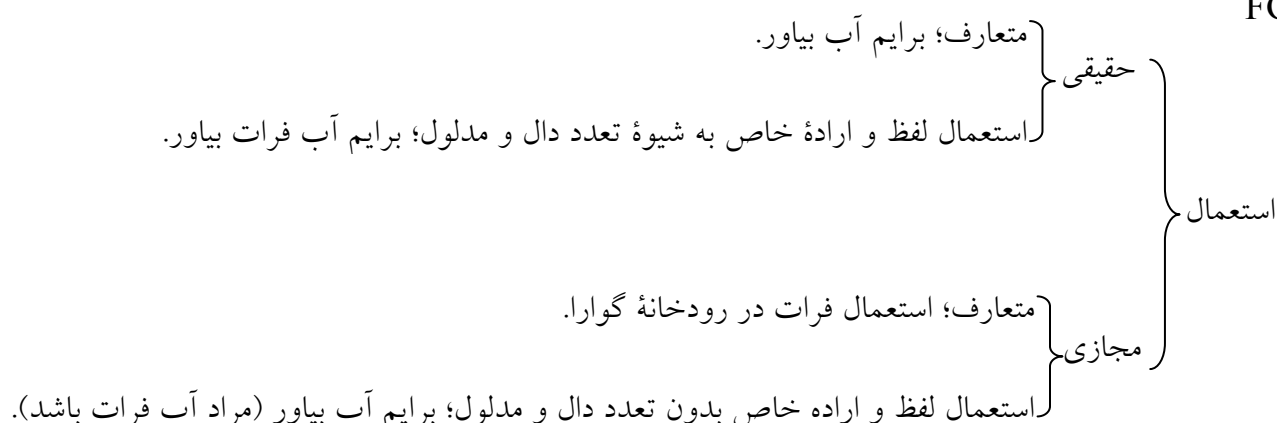
^۳ مرجع ضمیر: مای موصوله که مراد از آن، معنا می باشد.

^۴ نائب فاعل «الموضوع».

در این حالت، این حصه خاص از معنای موضوع له آب، به وسیله مجموع دو کلمه «آب» و «فرات» به مخاطب تفهیم شد، نه با استعمال لفظ «آب» به تنهایی؛ یعنی هر کدام از دو کلمه آب و فرات دقیقاً در موضوع له خود استعمال شده‌اند و در نتیجه استعمال، حقیقی می‌باشد.

استعمال لفظ و اراده معنای خاص بر طبق حالت دوم را اراده خاص به شیوه «تعدد دال و مدلول» می‌نامند. در این طریقه، دال دارای اجزائی است و مدلول نیز اجزائی دارد. هر جزئی از دال بر جزئی از مدلول دلالت می‌کند و به این ترتیب مجموعه‌ای از معانی به وسیله مجموعه‌ای از دلالت کننده‌ها به مخاطب تفهیم می‌شود.

FG



تطبیق

الثانية: ان تستعمل لفظة الماء في معناها المشترك^۱ بين ماء الفرات و غيره و تأتي بلفظ آخر يدل على خصوصية الفرات بان تقول ائتني بماء الفرات

حالت دوم: این است که شما لفظ «آب» را دقیقاً در معنای موضوع له خود که معنایی عام است و شامل آب فرات و غیر آن می‌شود استعمال کنی، اما چون مراد شما خصوص آب فرات است، لفظ دیگری نیز بیاوری تا بر این خصوصیت دلالت کند بدین شکل که بگویی: «برایم آب فرات بیاور»

فالحصة الخاصة قد أُفیدت^۲ بمجموع کلماتی ماء و الفرات لا بكلمة ماء فقط، و کل من الکلمتين قد استعملت فی معناها الموضوع له فلا تجوز

در این صورت آن حصه خاص از معنای آب که همان آب فرات باشد به وسیله مجموع دو کلمه «آب» و «فرات» فهمانده شده است و هر یک از این دو کلمه در معنای حقیقی و موضوع له خود استعمال شده‌اند و مجازی رخ نداده است.

و نطلق على إرادة الخاص بهذا النحو طريقة^۱ تعدد الدال و المدلول، فطريقة تعدد الدال و المدلول نعني بها^۲ إفادة مجموعة من المعاني بمجموعة من الدوال و بإزاء كل دال واحد من تلك المعاني.

^۱ مراد اشتراك معنوی است، یعنی در معنای عام و جامع خود که دارای مصادیق زیادی است استعمال شده است.

^۲ نائب فاعل: ضمير مستتر «هي» که به «الحصة» راجع است.

ما اراده معنای خاص (حصه‌ای از معنای موضوع‌له) به این شیوه را طریقه تعدد دالّ و مدلول می‌نامیم و مقصودمان از این طریقه این است که مجموعه‌ای از معانی به وسیله مجموعه‌ای از الفاظ دلالت کننده، به مخاطب تفهیم شود؛ به این شکل که به ازای هر یک از این الفاظ دالّ، بخشی از معنا واقع شود.

Sco۲:۱۴:۲۲

اشتراک لفظی و مترادف

مطلب دیگری که در این قسمت مطرح می‌شود بحث اشتراک لفظی و مترادف در میان الفاظ است. اشتراک لفظی این است که یک لفظ واحد دارای دو معنای حقیقی (و یا بیشتر) باشد؛ مثلاً لفظ عین هم برای چشم وضع شده است و هم برای چشمه. مترادف به این معنا است که دو لفظ مختلف برای یک معنا وضع شده باشند؛ یعنی موضوع‌له آن دو لفظ، مشترک و واحد باشد؛ مانند لفظ بشر و انسان که هر دو دارای معنای واحدی هستند. در ابتدای بحث وضع گذشت^۳ که بین لفظ و معنا، علقه سببیت وجود دارد و به همین علت است که با تصور لفظ، معنا متصور می‌شود.

همچنین گفتیم که در منشأ این علاقه سببیت، چهار نظریه وجود دارد :

۱. سببیت ذاتیه

۲. اعتبار

۳. تعهد

۴. قرن اکید^۴

شهید صدر می‌فرماید: امکان اشتراک لفظی و مترادف، تنها بنابر مسلک «تعهد» مورد اشکال واقع می‌شود. اما بنابر نظریات و مسالک دیگر شکی در امکان اشتراک لفظی و مترادف وجود ندارد. در مورد اشکالی که بنابر مسلک تعهد وارد می‌شود، در درس بعد سخن خواهیم گفت. اما در اینجا اشکالی را به امکان اشتراک لفظی مطرح می‌کنیم که به راحتی قابل دفع است.^۵

اشکال (منافات داشتن با حکمت وضع)

اشتراک لفظی موجب می‌شود معنا مجمل شده و مخاطب در فهم مقصود متکلم به تردید بیفتد و این با حکمت وضع که همان تفهیم معنا است، منافات دارد.

پاسخ (عدم منافات)

^۱ مفعول‌به برای فعل «نطلق».

^۲ مرجع ضمیر: الطریقه.

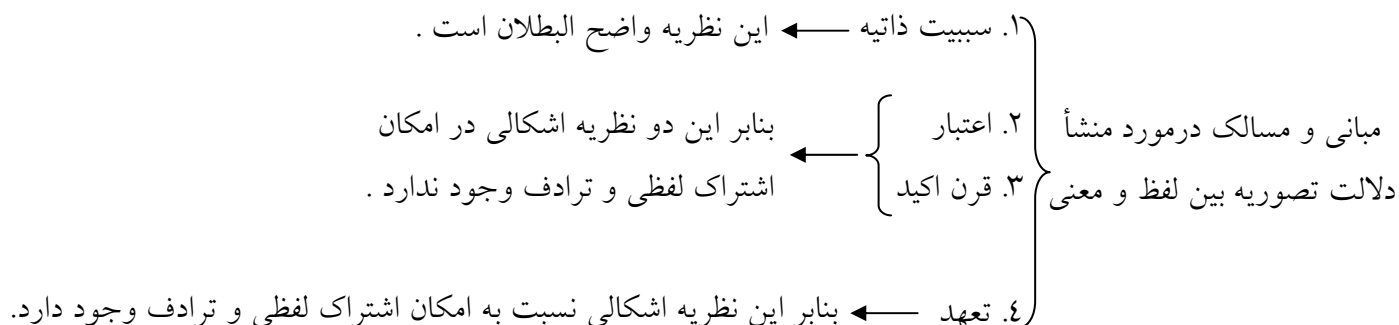
^۳ الحلقة الثانية، الدلیل الشرعی، تحدید دلالات الدلیل الشرعی، الوضع و علاقته بالدلالات المتقدمة.

^۴ سه نظریه اخیر در اینکه منشأ این علاقه، وضع است، مشترک هستند و در واقع اختلافشان در تفسیر وضع است.

^۵ این اشکال بنابر سه نظریه اعتبار، تعهد و قرن اکید مطرح است، اما بنابر نظریه سببیت ذاتیه مطرح نیست؛ لکن این نظریه چنانچه گذشت واضح البطلان و خلاف وجدان است.

حکمت وضع، ایجاد چیزی است که صلاحیت داشته باشد تا در مقام استعمال برای تفهیم معنا استفاده شود. این صلاحیت داشتن اعم از آن است که بدون کمک قرینه باشد یا با وجود و کمک قرینه و در لفظ مشترک این صلاحیت وجود دارد، اما با کمک و ضمیمه شدن قرینه.

FG



تطبیق

الاشتراک و المترادف:

لا شک فی امکان الاشتراک و هو وجود معینین للفظ واحد و المترادف^۱ و هو وجود لفظین لمعنی واحد بناء^۲ علی غیر مسلک التعهد فی تفسیر الوضع

اشتراک و مترادف: هیچ شکی در امکان اشتراک (اشتراک یعنی لفظ واحدی دارای دو معنای حقیقی [یابیشتر] باشد) و نیز مترادف (یعنی دو لفظ متفاوت [یابیشتر] دارای معنای واحدی باشند) بنابر مسلک‌هایی که در تفسیر وضع بیان کردیم - غیر از مسلک تعهد که بنابر آن اشکال وجود دارد - وجود ندارد.

و مجرد^۳ کون الاشتراک مؤدیا إلی الإجمال و تردد السامع فی المعنی المقصود لا یوجب فقدان الوضع^۴ المتعدد لحکمته^۵، لأن حکمته إنما هی ایجاد ما یصلح للتفهیم. فی مقام الاستعمال و لو بضم القرینه.

و صرف اینکه اشتراک موجب اجمال معنا شده و مخاطب را در فهم مقصود متکلم به تردید می‌اندازد، نمی‌تواند موجب شود تا وضع کردن به این نحو (اشتراک) فاقد حکمت وضع بوده باشد، زیرا حکمت وضع، ایجاد چیزی است که در مقام استعمال، صلاحیت تفهیم معنا به مخاطب را داشته باشد، اگر چه این صلاحیت به کمک ضمیمه کردن قرینه باشد.

Scor: ۲۱: ۴۶

^۱ معطوف علیه: الاشتراک؛ یعنی: و لا شک فی امکان الاشتراک.

^۲ متعلق به «لا شک».

^۳ دفع دخل مقدر (پاسخ به اشکال مقدر) می‌باشد.

^۴ فاعل معنوی «فقدان» است و «فقدان» مصدر مضاف به فاعل خود می‌باشد..

^۵ لام، لام تقویت است و «حکمته» مفعول «فقدان» می‌باشد.

چکیده:

۱. اگر لفظ در معنایی مابین با معنای موضوع له خود استعمال شود، قطعاً این استعمال، مجازی خواهد بود؛ اما اگر از لفظ بخشی از معنای موضوع له اراده شود، در اینجا بحث است که این استعمال حقیقی است یا مجازی.
۲. استعمال لفظ و اراده حصه ای خاص از موضوع له دو حالت دارد:
الف) لفظ به تنهایی در آن حصه خاص از معنای موضوع له استعمال شود؛ در این صورت استعمال، مجازی است.
ب) لفظ با کمک لفظ دیگری آن حصه خاص را به مخاطب تفهیم کند؛ به این شکل که لفظ در معنای موضوع له خود با عمومیت و شمولی که نسبت به افراد و حالات مختلف دارد استعمال شود و لفظ دیگری نیز استعمال شود تا آن حصه خاص به مخاطب تفهیم شود. در این صورت چون هر دو لفظ در موضوع له خود استعمال شده اند، هر دو استعمال، حقیقی است. به این شیوه استعمال، طریقه تعدد دال و مدلول گویند .
۳. اشتراک لفظی یعنی اینکه لفظ واحدی دو یا چند معنای حقیقی داشته باشد و مترادف به این معناست که دو یا چند لفظ دارای معنای واحدی باشند.
۴. بنابر مسلک هایی که در تفسیر وضع وجود دارد - غیر از مسلک تعهد- قطعاً اشتراک لفظی و مترادف امری ممکن می باشند.
۵. حکمت وضع، ایجاد چیزی است که صلاحیت تفهیم در مقام استعمال را داشته باشد، اگر چه این صلاحیت به کمک قرینه حاصل شود.